



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹
صص ۱۶۶-۱۴۶

بین‌المللی‌شدن آموزش عالی و آینده‌ی همگرایی کشورهای اسلامی

دکتر مریم صنیع اجلال* - استادیار گروه سیاست علم، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، تهران، ایران.
دکتر محمد حسینی مقدم - استادیار گروه مطالعات آینده‌نگر، پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی کشور، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۳۰

چکیده

در طول تاریخ تمدن اسلامی عوامل متفاوت و متعددی در گسترش همگرایی یا واگرایی کشورهای اسلامی نقش‌آفرین بوده و این موضوع به یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده‌ی سرنوشت تمدن اسلامی تبدیل شده است. گسترش مراودات علمی میان کشورهای اسلامی از یک‌سو و همکاری میان کشورهای اسلامی و غیراسلامی از سوی دیگر بر چگونگی شکوفایی علمی و فناورانه در حوزه‌ی تمدن اسلامی تأثیرگذار بوده است. در این مقاله تلاش شده است از منظر آینده‌نگری و با نگاه کلان به روندهای تاریخی، موضوع چگونگی تحقق آینده‌ی مطلوب تمدن اسلامی بر پایه‌ی گسترش مراودات علمی بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. ادعای اصلی مطرح شده در این اثر آن است که همکاری‌های علمی بین‌المللی زمینه‌ی مناسبی برای دستیابی به فهم میان‌فرهنگی را در فضای تعامل کشورهای اسلامی با یکدیگر مهیا می‌سازد. این شیوه‌ی فهم و شناخت بر تعمیق و گسترش روابط میان کشورهای اسلامی تأثیرگذار بوده و این موضوع تعیین‌بخش چگونگی دستیابی به سرنوشت مطلوب تمدن اسلامی است. روش‌های استفاده شده در این اثر عبارتند از: بهره‌مندی از کلان‌نگری تاریخی (Macro Historian) به منظور بررسی کلان‌روندهای تاریخی همکاری‌های علمی در تمدن اسلامی، تحلیل روند به منظور بررسی وضعیت کنونی همکاری‌های علمی کشورهای اسلامی و سناریونگاری به منظور ارائه‌ی تصویری از آینده‌های بدیل پیش‌روی تمدن اسلامی در سایه‌ی همکاری‌های علمی بین‌المللی. نتایج اصلی حاصل از این مطالعه عبارتند از: وجود مزیت‌های نسبی بسیار برای گسترش و تعمیق همکاری‌های علمی بین‌المللی میان کشورهای اسلامی؛ واگرایی شدید میان کشورهای اسلامی در عرصه‌ی همکاری‌های علمی بین‌المللی؛ غرب‌گرایی و داشتن اسطوره‌ی غرب‌مدینه‌ی فاصله در میان اندیشمندان، محققان و متخصصان کشورهای اسلامی؛ لزوم تقویت درگاه‌های (Hub) همکاری‌های علمی میان کشورهای اسلامی؛ لزوم انعقاد پیمان‌های بین‌المللی در عرصه‌ی همکاری‌های آموزشی، پژوهشی و فناورانه میان کشورهای اسلامی.

کلید واژگان: آینده‌نگری، تمدن اسلامی، بین‌المللی‌شدن، فهم بین‌فرهنگی.

۱. مقدمه

تمدن اسلامی از بدو پیدایش تا کنون دستخوش فراز و فرودهای بسیاری شده است. عصر طلایی و زوال و فروپاشی تمدن اسلامی مصادیق این فراز و فرودها است. در جهان کنونی براساس رویکردهای واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل کشورهای اسلامی همواره بر حسب موقعیت‌های متفاوت اقتصادی و ژئوپلیتیک مورد توجه قدرت‌های بزرگ در شرق و غرب جهان بوده‌اند. هر کدام از کشورهای صاحب قدرت برتر برای دستیابی به آینده‌ی مطلوب به دنبال گسترش نفوذ در کشورهای اسلامی هستند.

ظهور اسلام در ظرف مدتی کمتر از یک ربع قرن با وضعی معجزه آسا طوایف خانه به دوش و صحرائشین عرب را که پیش از آن تیره روزترین مردم دنیا بودند در زیر لوای توحید در آورد. نفوذ خدایان و دین‌های مختلف از عربستان برافتاد و طوایف مختلف زیر لوای دین جدید متحد شدند. نیروی ایمان، این مردم خودسر، ماجراجو و پراکنده را به هم پیوست و از آنها نیرویی بزرگ، جوشان و مقاومت‌ناپذیر پدید آورد که در مدتی کوتاه، سپاه‌های منظم را مغلوب کرد، کشورهای بزرگ را درنوردید و یک قرن نگذشت که تمدنی جهان‌شمول را بنیان گذاشت و قسمت اعظم جهان آن روزگار را فرا گرفت (Ebrahim Hassan, 1987:2).

این تمدن با این پیشرفت سریع فاصله‌ای در تاریخ جهان بوجود آورد، دنیای کهن را زیر و زبر کرد و بر ویرانه‌ی آن جهانی نوین ساخت که نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی آن با جهان پیشین تفاوت داشت. با ظهور تمدن اسلامی مسلمانان از حیث قدرت، ثروت، تولید علم و اندیشه به جایگاه رفیعی دست یافتند. مسلمانان با جذب بهترین عناصر گهواره‌های تمدن‌های موجود در حوزه علمی و فکری خود، تمدن نوین و شکوهمندی را بنیان نهادند که به گفته فرهنگ رجایی «انسجام درونی، ویژگی‌های محلی و دعوی جهانی خود را داشت» و جهان‌گیر شد. حجم تولیدات علمی، فکری و فنی این مجموعه شگرف و عظیم، تمام ساحت علم و فناوری آن روزگاران را در تصرف خود داشت و سلطه‌ی بی‌چند و چون آن، فرهنگ و شریعت اسلام را جهانی ساخت (Rajaei, 2003:94-99).

پس از یورش مغولان در قرن هفتم، به‌رغم ویرانی گسترده شهرها و پایگاه‌های تمدن اسلامی،

این تمدن بار دیگر در قرن دهم هجری احیاء شد و این بار جهان‌بینی اسلامی را با تمدن‌های ماوراءالنهر، هند، ایران و عثمانی ترکیب کرد. امپراتوری‌های بزرگ صفوی در ایران، عثمانی در ترکیه و گورکانی در هند هر کدام براساس برداشت خود از اسلام توانستند دوباره به تمدن اسلام، شکوه جهانی ببخشند. هر چند این اوج با ظهور تمدن صنعتی غرب و جهانگیر شدن آن دچار افول و به حاشیه رانده شد.

پس از یورش مغولان در قرن هفتم، به‌رغم ویرانی گسترده شهرها و پایگاه‌های تمدن اسلامی، این تمدن بار دیگر در قرن دهم هجری احیاء شد و این بار جهان‌بینی اسلامی را با تمدن‌های ماوراءالنهر، هند، ایران و عثمانی ترکیب کرد. امپراتوری‌های بزرگ صفوی در ایران، عثمانی در ترکیه و گورکانی در هند، هر کدام براساس برداشت خود از اسلام توانستند دوباره به تمدن اسلام شکوه جهانی ببخشند. هر چند این اوج با ظهور تمدن صنعتی غرب و جهانگیر شدن آن دچار افول و به حاشیه رانده شد (Hosseini Moghadam and Sanie Ejlal, 2012: 1-19).

در ادامه تلاش شده است چگونگی تحقق آینده‌ی مطلوب تمدن اسلامی برحسب مطالعه و بررسی پیشران‌های تعیین‌کننده بررسی شود. از این رو در این بخش از مقاله مدل مفهومی برای شناسایی و دسته‌بندی پیشران‌های شکل دهنده به آینده‌ی تمدن اسلامی ارائه شده است.

۲. مدل مفهومی شناسایی پیشران‌های تمدن اسلامی

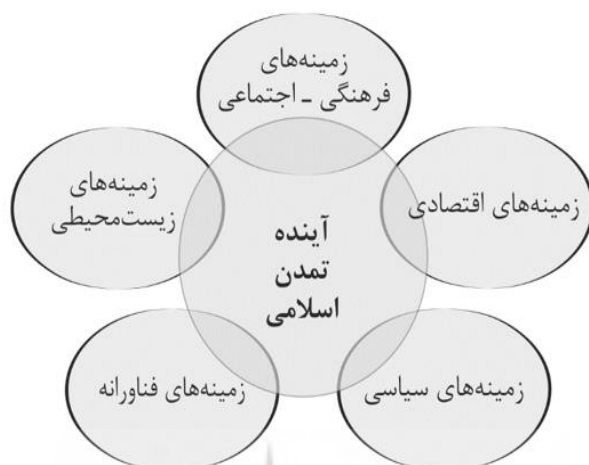
با توجه به نکات گفته شده در جهان امروز طیفی از عوامل در درون و خارج از جهان اسلام بر موضوع چگونگی شکل‌گیری سرنوشت کشورهای اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی تأثیرگذار است؛ به عبارت روشن‌تر در درون کشورهای اسلامی عواملی از قبیل: اقتدار دولت مرکزی، میزان توسعه‌یافتگی، سهم کشور اسلامی از اقتصاد جهانی، تفوق کشور اسلامی بر بحران‌های داخلی، میزان رضایت‌مندی مردم از دولت، میزان پیشرفت‌های علمی و فناورانه و همچنین در خارج از کشورهای اسلامی عواملی هم‌چون: پیمان‌های سیاسی و اقتصادی کشور اسلامی با سایر کشورها، میزان وابستگی و عدم وابستگی کشور اسلامی با سایر کشورها و میزان نفوذ کشور اسلامی در مناسبات متفاوت بین‌المللی و جهانی نقش مهمی در تعیین‌بخشی و شکل‌دهی به آینده‌ی کشورهای اسلامی و در نتیجه تمدن اسلامی خواهد داشت.

از منظر جامعه‌شناسی تاریخی میزان داد و ستد میان مردم یک کشور با مردم کشورهای دیگر نقش مهمی در تحکیم پیوندهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است. به میزان گسترش روابط کشورها و تعمیق پیوندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها نوع روابط سیاسی و مناسبات بعد از آن نیز شکل می‌گیرد.

برای مثال چنانچه روابط مردم ایران و عربستان در عرصه‌های متفاوت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تعمیق یابد دولت‌های ملی نیز ناگزیر از تبعیت از چنین روابطی هستند حتی اگر میل چندانی به آن نداشته باشند. برای تصریح بیشتر این موضوع می‌توان گفت چنانچه دانشجویانی از ایران در عربستان تحصیل کنند، چنانچه استادان دانشگاه‌های ایران در حوزه‌های مرتبط با تخصص خود کشور عربستان را برای فرصت‌های مطالعاتی و یا دوره‌های آموزشی و پژوهشی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت انتخاب کنند و نیز چنانچه دانشجویان و استادان جامعه‌ی علمی کشور عربستان نیز چنین رفتاری داشته باشند این موضوع بر چگونگی و سطح روابط دو کشور تأثیر تعیین‌کننده خواهد داشت و باعث بهبود وضع موجود و مهیا شدن زمینه برای دستیابی به وضع مطلوب خواهد شد.

در حال حاضر چنین روابطی میان جامعه‌ی علمی دو کشور ایران و عربستان تکوین پیدا نکرده و این موضوع یکی از عوامل شکل‌گیری وضع موجود میان دو کشور است. مثال روابط ایران و کشور امارات متحده‌ی عربی مصداق مناسبی برای تعیین این مدعی است. اگرچه هم‌سویی و وحدت روشی میان دولت ایران و دولت امارات وجود ندارد اما پیوندهای تجاری و بازرگانی میان جامعه‌ی اقتصادی ایران و امارات باعث مهار تندروری‌های دولت‌های دو کشور و گسترش مراودات اقتصادی میان مردم دو کشور شود.

با توجه به نکات و مثال‌های مطرح شده مطابق مدل‌های آینده‌نگری عوامل شکل دهنده به مناسبات کشورهای اسلامی در طیفی از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، زیست‌محیطی و ارزشی مطابق شکل (۱) قابل دسته‌بندی است.



شکل (۱): مدل مفهومی شناسایی پیشران‌های شکل دهنده به آینده‌ی تمدن اسلامی

مطابق این شکل نوعی روابط در هم‌تنیده شده میان مناسبات و با رفتارهای متفاوت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ارزشی، فناوری و زیست جهان به موضوع آینده‌ی تمدن اسلامی شکل می‌دهد؛ بر اساس همین رویکرد بررسی چگونگی تحقق آینده‌ی مطلوب تمدن اسلامی بدون چشم‌داشت به زمینه‌های متفاوت احاطه‌کننده، بی‌سرانجام خواهد ماند.

در این نوشتار تلاش خواهد شد از منظر نگاه کل‌گرایانه^۱ از میان زمینه‌های متفاوت شکل‌دهنده به آینده‌ی تمدن اسلامی، نقش زمینه‌های فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی برحسب پایش میزان مرادفات علمی کشورهای اسلامی با یکدیگر صورت گرفته است. به عبارت روشن‌تر تلاش خواهد شد با بررسی داده‌های پایگاه، داده‌های معتبر بین‌المللی و با استفاده از روش پویش محیطی^۲ بررسی شود روابط علمی میان اعضای جامعه‌ی علمی کشورهای اسلامی به چه شکل است؟ و این روابط چه تأثیری در کاهش یا گسترش همکاری کشورهای اسلامی داشته است؟ مهم‌ترین عدم قطعیت‌های مرتبط با این حوزه کدام است؟ بر حسب عدم قطعیت‌های شناسایی شده کدام آینده‌های بدیل پیش‌روی کشورهای اسلامی است؟

1.Holistic

2.Environmental Scanning

۳. مرادوات علمی کشورهای اسلامی

فعالیت‌های بین‌المللی آموزش عالی تا حد بسیار زیادی برخاسته از ارزش‌ها است. این ارزش‌ها در طیفی از ارزش‌های مادی تا غیرمادی قابل دسته‌بندی هستند. دستیابی به توان رقابت‌پذیری و کسب ارزش افزوده اقتصادی از رهگذر فعالیت‌ها و خدمات بین‌المللی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی جلوه ارزش‌های مادی و نفوذ در سایر کشورها از رهگذر دیپلماسی فرهنگی، عمومی و علمی برای تأمین منافع درازمدت کشورها در زمره اهداف غیر مادی است. در طول تاریخ تمدن اسلامی به ویژه در دوران طلایی و عصر بالندگی علمی و معرفتی این تمدن تلاش‌های بسیاری در خصوص گسترش نفوذ و تعمیق منافع و ارزش‌های غیرمادی توسط کنشگران جامعه علمی کشورهای اسلامی در سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی صورت گرفت.

پس از فرودهای تاریخی تجربه شده در تمدن اسلامی وضعیت برعکس شد. تلاش کشورهای غیراسلامی برای گسترش نفوذ فرهنگی و دستیابی به منافع مادی و غیرمادی بلندمدت، باعث گسترش حضور و نقش‌آفرینی کنشگران جوامع علمی - فرهنگی مغرب زمین در کشورهای اسلامی گردید. برای مثال شروع فعالیت‌های مبلغان مذهبی در ایران برای تأسیس مدارس جدید، نشان‌دهنده آن است که زمینه‌های ارزشی برای آنها از بدو رشد و تکوین آموزش جدید و آموزش عالی حائز اهمیت بوده است.

به عبارت روشن‌تر مدارس جدید را در شهرهایی دایر می‌کردند که عمدتاً در این شهرها اقلیت‌های مذهبی ساکن بودند. حضور اقلیت‌های مذهبی کار تبلیغ و راه‌اندازی مدارس جدید را برای مبلغان مذهبی راحت‌تر می‌ساخت (Salahi and Basnas, 2003:9). علاوه بر ارزش‌های دینی که دنبال می‌کردند موضوع نفوذ در کشور ایران نیز مورد توجه آنها قرار داشت. برای مثال فعالیت در شهر ارومیه به دلیل مزیت نزدیکی به امپراطوری عثمانی مبلغان مذهبی می‌توانستند به اهداف سیاسی خود در این امپراطوری راحت‌تر دست پیدا کنند. شهر تبریز از دیگر پایگاه‌های مهم خارجی‌ها برای تأسیس مدرسه بود. انتخاب این شهر نیز از حیث اینکه زیستگاه و محل حکمرانی ولیعهد شاهان قاجار بود امکان نفوذ در دربار ایران را برای آنها

میسر می‌ساخت. گسترش فعالیت‌های مدرسه‌سازی در شهر تهران نیز مؤید آن است که شهر تهران با توجه به پایتخت بودنش و اقامت نمایندگان کشورهای دیگر در این شهر از اهمیت بسیاری برای دستیابی به نفوذ سیاسی برخوردار بود (Salahi and Basnas, 2003:11). بنابراین دستیابی به نفوذ فرهنگی در کشورها در طول تاریخ یکی از ارکان شکل دهنده به مراودات علمی بین‌المللی بوده است. مطابق این رویکرد جذب دانشجویان و پژوهشگران خارجی انعکاسی از قدرت نرم تلقی می‌شود. هزینه استفاده از قدرت نرم برای تغییر افکار، آرمان‌ها، ارزش‌ها و آموزه‌ها خیلی کمتر بوده و اثرگذاری آن خیلی بیشتر و با دوام‌تر از استفاده از قدرت سخت است.

یکی از انگیزه‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران نیز در پذیرش دانشجویان خارجی رویکرد الهام‌بخشی است. مطابق این رویکرد انتظار می‌رود دانشجوی طی دوران تحصیل خود در ایران با دستاوردهای حکومت اسلامی و پیشرفتهای علمی و فنی آن از نزدیک آشنا شود و با تأثیرپذیری از تجربه زیسته خود در ایران بتواند در کشور خود منادی و سفیر فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باشد. از همین رو است که آمار تعداد دانشجویان خارجی بورسیه ایران از بسیاری از کشورهای پیشتاز در جذب دانشجوی خارجی پیشی گرفته است. همان گونه که در آمارها گفته شد در سال ۲۰۱۲ کشور انگلستان ۷۱۲ دانشجو و ایران ۱۴۶۰ دانشجو را بورس کردند. دولت انگلستان سالانه تعدادی دانشجوی خارجی را با هدف تربیت رهبران و تصمیم‌گیران آینده کشورهای فرستنده به صورت بورسیه پذیرش می‌کند. برای مثال در سال تحصیلی ۲۰۱۳-۲۰۱۲ تعداد ۷۱۲ دانشجو مؤفق به دریافت بورسیه تحصیلی دولت انگلستان شدند. مجموع هزینه‌های تخصیص داده شده به این دانشجویان ۱۷ میلیون پوند بود که از این میان سه میلیون پوند توسط بخش خصوصی تأمین شده است. افرادی که از این بورس‌ها برخوردار می‌شوند شبکه‌ای از افراد بانفوذ را در اطراف جهان ایجاد می‌کنند که می‌توانند زمینه‌های نفوذ دولت انگلستان در کشورهای هدف را فراهم کنند. در حال حاضر این شبکه متشکل از ۴۱ هزار نفر در بیش از ۱۵۰ کشور است (Department for Business; Innovation and Skills, 2013: 53).

از این منظر الهام‌بخش بودن یکی از راهبردهای اصلی کشورها برای ترویج ارزش‌ها در سپهر بین‌المللی است. تلاش کشور آمریکا در این خصوص چشمگیر است. اساساً یکی از محورهای دیپلماسی عمومی آمریکا، آموزش عالی و گسترش مراودات علمی با سایر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه است. محبوبیت دانشگاه‌های آمریکایی برای ادامه تحصیل حتی بر بسیاری از ملاحظات ایدئولوژیک دانشجویان تأثیرگذار بوده است.

مطابق بررسی جین نایت، پس از دوران یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بسیاری از رفت‌وآمدهای علمی و صدور روایید برای دانشجویان به ویژه از کشورهای اسلامی در آمریکا محدود شد. در یک تحقیق پیمایشی که توسط شورای فرهنگی و اجتماعی انگلستان از میان ۵۰۰۰ دانشجو در ۹ کشور مسلمان انجام شد، مشخص گردید که آمریکا برای جوانان کشورهای مصر، ترکیه و عربستان سعودی هم‌چنان انتخاب اول برای ادامه تحصیل در خارج از کشور است (Night, 2008: 113). از این رو وزارت امور خارجه آمریکا برای پیگیری اهداف دیپلماسی عمومی با وجود تبعات ناشی از حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ برخی از سیاست‌های مربوط به صدور ویزای این وزارت‌خانه را تغییر داد و تلاش کرده تا از بازگشت دانشجویان، محققان و بازرگانان بین‌المللی به ویژه از کشورهای اسلامی به کشور آمریکا حمایت کند.

انتفاع علمی از حضور کنشگران علمی بین‌المللی در دست‌یابی به دستاوردهای علمی و تکنولوژیک از دیگر جلوه‌های ارزش‌های معنوی و غیرمادی مراودات علمی بین‌المللی است. از ۶۵ جایزه‌ی نوبل پزشکی و فیزیولوژی اعطا شده به آمریکاییان از سال ۱۹۴۹ تا سال ۲۰۱۰ میلادی، ۴۰ درصد متولد خارجی بودند؛ از ۵۵ برنده جایزه‌ی نوبل فیزیک ۱۸ نفر خارجی بودند؛ از ۳۷ برنده نوبل شیمی ۱۳ نفر متولد خارج بودند.

در پذیرش دانشجویان غیرایرانی و تخصیص بورسیه به آنها و تقبل هزینه‌های آموزشی و رفاهی این افراد برخی معیارهای کلی در نظر گرفته شده است. از قبیل میزان اهمیت آن کشور بر حسب منافع ملی، همجواری و همسایگی با آن کشور، عمق مناسبات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و آن کشورها و نیز برخی ملاحظات ایدئولوژیک از قبیل اسلامی بودن معیارهای کلی برای انتخاب کشورهای هدف برای پذیرش دانشجو به صورت بورسیه است.

بررسی گذشته و وضع موجود پذیرش دانشجوی غیر ایرانی طی دو دهه اخیر تاکنون بیانگر نکات مهمی است. یکی از این نکات آن، انتخاب کشورهای هدف است. برای مثال پژوهش‌های انجام شده بیانگر آن است که طی ۱۰۰ سال اخیر بیش‌ترین همکاری علمی ایران در میان کشورهای اسلامی چه از حیث قدمت تاریخی و چه از حیث حجم با کشور ترکیه بوده است. اما پذیرش دانشجو از کشور ترکیه به صورت بورسیه همان‌گونه که گفته شد بسیار اندک است. این در حالی است که بر حسب پیوندهای فرهنگی و تاریخی میان دو کشور همسایه و موقعیت کشور ترکیه در مناسبات منطقه‌ای و جهانی و سطح همکاری‌های علمی میان جامعه علمی دو کشور طبعاً پذیرش دانشجو از این کشور می‌باید در اولویت باشد. این در حالی است که از سال ۱۳۸۰ تاکنون تعداد ۱۱۴ نفر از این کشور بورس شده‌اند که مجموع و یا بخشی از هزینه‌های آموزشی و رفاهی آنها توسط دولت ایران تأمین شده است.

کشور سوریه در ایران بعد از انقلاب به دلیل دگردیسی در سیاست خارجی ایران جایگاه ویژه‌ای به دست آورده؛ اما به رغم این موضوع، پیوندهای علمی میان جامعه علمی دو کشور حاصل نشده است. طی سال‌های ۱۳۸۰ تاکنون، تعداد ۸۹۰ دانشجو از کشور سوریه از بورس دولت ایران برای تحصیل در دانشگاه‌های کشور بهره‌مند شده‌اند. در سال ۲۰۱۷ ایران با داشتن ۴۲۵ دانشجو از کشور سوریه سیزدهمین کشور پذیرنده دانشجویان سوری بوده و عربستان سعودی با داشتن ۸۴۴۸ دانشجو جایگاه اول و امارات متحده عربی، ترکیه، آلمان و مصر جایگاه دوم تا پنجم را در پذیرش دانشجویان سوری به دست آورده‌اند.

نکته مهم دیگر در این خصوص آن است که تقاضا از کشور ترکیه برای تحصیل به صورت آزاد در کشور ایران به مراتب بیش‌تر از تقاضا برای تحصیل از کشور سوریه است. به عبارت روشن‌تر پذیرش دانشجو، متغیری وابسته به ملاحظات راهبردی و تعامل میان دولت ایران و دولت‌های هم‌تا در کشورهایمانند ترکیه، عراق، لبنان و سوریه است. از همین‌رو است که دانشجویان سوری، لبنانی و عراقی برای تحصیل در ایران به صورت آزاد تقاضای چندانی ندارند و چنانچه تصمیم به تحصیل در ایران را می‌گیرند؛ این مهم برخاسته از فرصتی است که دولت آن کشورها برایشان فراهم می‌سازد و چنانچه قرار باشد هزینه‌ی تحصیل را خود

پرداخت کنند، ممکن است کشورهای غیر از ایران را در اولویت تحصیل قرار دهند. آمار یونسکو در سال ۲۰۱۷ وضعیت ایران در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی مطرح از حیث اعزام و پذیرش دانشجوی خارجی را مطابق جدول زیر نشان می‌دهد (UNESCO, 2017).

جدول (۱): آمار مقایسه‌ای یونسکو در خصوص اعزام و پذیرش دانشجوی خارجی در ایران

شاخص کشور	تعداد اعزام دانشجو به خارج	پذیرش دانشجو از خارج
ایران	۵۱۳۹۵	۱۳۷۶۷
امارات متحده عربی	۱۰۶۵۱	۷۳۴۴۵
اردن	۲۲۲۹۵	۴۰۳۸۷
ترکیه	۴۵۸۲۰	۷۲۱۷۸
قطر	۵۰۱۰۷	۱۰۵۰۹
عربستان سعودی	۸۶۴۸۶	۷۳۰۷۷
مالزی	۶۴۴۸۰	۶۰۲۴۴
مصر	۲۵۷۱۹	۴۷۸۱۵

بررسی آمار ارائه شده در جدول (۱) بیانگر آن است نزدیک به سه هزار و دویست دانشجوی غیرایرانی در حال حاضر در کشور وجود دارند. نکته مهم در این آمار تراز میان اعزام و پذیرش دانشجو است. به عبارت روشن‌تر، کشورهای برتر در تبادل دانشجوی خارجی کشورهای هستند که تراز تبادل دانشجو را مثبت نگه داشته‌اند. به این معنا که به میزانی که دانشجوی خارجی اعزام می‌کنند، به همان میزان نیز دانشجوی خارجی می‌پذیرند. این رابطه در میان کشورهای اسلامی تعادل ندارد.

مصر در میان کشورهای عربی از سابقه علمی طولانی‌تری برخوردار است. این کشور در سال ۲۰۱۷ فرستنده تقریباً حدود ۲۶ هزار دانشجوی خارجی و هم‌زمان پذیرنده تقریباً حدود ۴۹ هزار دانشجوی خارجی است. این تراز تبادل دانشجوی خارجی در ایران منفی است. به عبارت روشن‌تر، ایران فرستنده تقریباً ۵۱ هزار دانشجوی خارجی به سایر کشورها برای ادامه

تحصیل و پذیرای تقریباً حدود ۱۴ هزار دانشجوی خارجی برای تحصیل است که از این میان همان گونه که اشاره شد تعداد بسیاری از دانشجویان خارجی مربوط به افرادی است که مقیم ایران هستند.

بر این اساس تعداد دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در ایران به نسبت کل جمعیت دانشجویی کشور که حدود چهار میلیون و پانصد هزار نفر هستند که در مقایسه با کشورهای از قبیل ترکیه، اردن، مصر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی رقم بسیار اندکی و نزدیک به صفر است. مطابق بررسی صورت گرفته این شاخص برای امارات متحده عربی ۳۹ درصد است. به بیان دیگر ۳۹ درصد از کل جمعیت دانشجویی در این کشور را دانشجویان خارجی تشکیل می‌دهند. پس از امارات، قطر و بحرین به ترتیب با ۲۸ و ۱۴ درصد رتبه‌ها دوم و سوم منطقه را دارند.

علاوه بر تراز مثبت تبادل دانشجوی خارجی تنوع، کشورهای فرستنده دانشجوی خارجی نیز مهم است. برای مثال ترکیه از ۱۵۰ کشور و ایران از ۲۰ کشور دانشجوی خارجی می‌پذیرد و از مجموع ۱۳۷۶۷ دانشجوی خارجی در ایران تعداد ۱۱۳۱۳ نفر آنها معادل ۸۲ درصد مجموع دانشجویان خارجی از کشور افغانستان، ۱۱۹۴ نفر از کشور عراق و ۴۲۵ نفر از کشور سوریه هستند. در سال ۲۰۱۷ از کشور ترکیه تعداد ۳۰ دانشجو در ایران مشغول به تحصیل شده‌اند که کمتر از ۰/۲ درصد کل دانشجویان خارجی بوده و در همین سال تعداد ۵۳۰۲ دانشجوی ایرانی حدود ۷/۵ درصد کل دانشجویان خارجی ترکیه در این کشور مشغول به تحصیل شده‌اند (UNESCO, 2017). به اعتقاد برخی پژوهشگران، چهار عامل مؤثر در ترکیب جمعیتی مذکور عبارتند از: نزدیکی مواضع سیاسی-عقیدتی کشورها، نزدیکی جغرافیایی، اقامت اتباع بیگانه در ایران، هم‌زبانی با زبان فارسی (Bozorgmehri, 2006: 190).

همکاری دانشمندان و پژوهشگران کشورهای مختلف با یکدیگر از دیگر شاخص‌های مرتبط با مراودات علمی بین‌المللی است که منافع و مزایای بسیاری برای اشخاص، سازمان‌ها و کشورها به همراه دارد. تلاش دولت‌ها برای ایجاد زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری این نوع مشارکت، بستر مناسبی را برای رشد و پیشرفت علمی کشور فراهم می‌کند. مطالعه تجربی دو تن از

پژوهشگران «مؤسسه تکنولوژی جورجیا» نشان می‌دهد که در سطح تحلیل فرد، «همکاری و ارتباط بین دانشگاهیان» عامل مؤثری بر میزان تولیدات علمی پژوهشگران و دانشگاهیان است. این محققان برای سنجش تأثیر ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی بین دانشگاهیان بر تولیدات علمی آنها، مقیاس «همکاری جهانی» را ساخته‌اند. به اعتقاد این دو پژوهشگر، ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی بر میزان، نوع و کیفیت نوآوری‌ها و ابداعات علمی تأثیر می‌گذارد و افزایش این ارتباطات باعث افزایش کمیت و کیفیت تولیدات علمی دانشگاهیان می‌شود. هم‌چنین تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که همکاری و ارتباط گروهی میان دانشگاهیان علاوه بر بازده علمی، بر بازده آموزشی دانشگاهیان نیز تأثیر مثبت می‌گذارد. از این رو مشارکت و همکاری بین‌المللی در تولید انتشارات و بروندهای علمی به رقابت کشورها در عرصه بین‌المللی شدن آموزش عالی دامن زده است.

یکی از شاخص‌های ارزیابی این مهم هم‌تألفی^۱ است. هم‌تألفی یا هم‌نویسندگی، همکاری چندین نویسنده از مناطق جغرافیایی مختلف را در یک انتشارات نشان می‌دهد. در جدول (۲) سهم بروندهای علمی منشتر شده کشورهای منتخب بر اساس شاخص هم‌نویسندگی به نسبت کل مقالات منشتر شده است.

براساس مطالعات انجام شده بین مقالات منشتر شده حاصل از همکاری‌های پژوهشی بین‌المللی و افزایش تعداد استنادها^۲ یا ارجاع‌هایی که آن مقاله، در یک دوره زمانی معین، از دیگر مقاله‌ها دریافت می‌کند همبستگی مثبت وجود دارد (British Council, 2012: 22).

1.Co-authorship

2.Citations

جدول (۲): هم‌نویسندگی مقالات کشورهای منتخب

نام کشور	هم‌نویسندگی به نسبت کل مقالات منتشر شده (به درصد)
آمریکا	۵.۲۸
انگلیس	۴.۴۴
آلمان	۷.۴۴
چین	۷.۱۴
ژاپن	۷.۲۳
کره جنوبی	۹.۲۵
هند	۵.۱۷
برزیل	۴.۲۴
روسیه	۴.۲۹

نتایج پژوهش‌های انجام شده در خصوص وضعیت همکاری‌های علمی - بین‌المللی پژوهشگران ایرانی بیانگر آن است روند همکاری پژوهشگران ایرانی با هم‌تایان خود در سایر کشورها بسیار کند است. بررسی داده‌های مرتبط با مقالات مشترک اعضای هیئت علمی ایرانی و هم‌تایان غیرایرانی آنها از این منظر قابل توجه است. در میان کشورهای مختلف، همکاری با کشورهای اسلامی طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران به دلیل تأکید بر بنیان‌های ایدئولوژیک نظام، همواره مورد تأکید سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران قرار گرفته و این موضوع در اسناد بالادستی همان‌گونه که در فصل دوم اشاره شد، به صراحت بیان و تأکید شده است. سازمان کنفرانس اسلامی مشتمل بر ۵۷ کشور از ۴ قاره جهان است و جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و ششصد میلیون نفر را شامل می‌گردد. از این حیث بررسی مشارکت و همکاری علمی ایران با کشورهای اسلامی، که به لحاظ ویژگی‌های مختلف مشترکات بسیاری با کشور ما دارند، حائز اهمیت است.

از دهه ۱۹۶۰ تا سال ۱۳۹۰ تنها ۶۷۵ مقاله علمی توسط محققان ایرانی و هم‌تایان آنها در

کشورهای اسلامی منتشر شده که حدود یک درصد کل تولیدات علمی ایران طی سال‌های مورد بررسی است. بر حسب تعداد تولیدات علمی مشترک، دو کشور اسلامی که جامعه علمی ایران بیش‌ترین اقبال نظر را برای همکاری نشان داده است ترکیه و مالزی است. طی این سال‌ها ۲۵۴ مقاله با کشور ترکیه و ۲۰۴ مقاله با کشور مالزی منتشر شده است. بیش‌ترین همکاری علمی با دانشمندان ترکیه در حوزه زیست‌شناسی و بیوشیمی و با دانشمندان مالزی در حوزه شیمی بوده است.

به‌رغم این سطح از همکاری که میان جامعه علمی ایران و جامعه علمی دو کشور مذکور وجود دارد، این کشورها در سال‌های اخیر در اولویت همکاری‌های دوجانبه دولت ایران قرار نداشتند. پذیرش دانشجویان از کشورهای ترکیه و مالزی یکی از شواهد این مدعی است. از ابتدای پذیرش دانشجویان از کشور مالزی در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی تاکنون تنها ۵ نفر مالزیایی از دولت ایران بورس دریافت کرده‌اند و کشور ترکیه نیز در مقایسه با سایر کشورهای همسایه هم‌چون عراق و افغانستان و نیز کشورهای منطقه مانند سوریه، لبنان، فلسطین و یمن تعداد بسیار اندکی دانشجوی در قالب بورسیه به ایران اعزام کرده است.

جامعه علمی ایران بر خلاف گفتمان حاکم بر آموزش عالی کشور، تمایل زیادی برای گسترش همکاری‌های علمی با کشورهای غربی نشان می‌دهد. برای مثال با وجود آنکه تعاملات علمی بین آمریکا و ایران با موانعی روبه‌رو است، اما به دلیل اراده و عزم دانشمندان هر دو کشور برای توسعه و انتشار دستاوردهای مشترک علمی، همکاری آنها ادامه یافته است. به تازگی بنیاد علوم ملی کشور آمریکا اعلام کرده است که مقالات مشترک بین دانشمندان ایرانی و ۱۴ کشور از ۱۸ کشور اروپایی افزایش تدریجی داشته است. از میان کشورهای اروپایی فقط هلند، انگلستان و نروژ هستند که همکاری‌هایشان را با ایران را کاهش داده‌اند. مقالات مشترک دانشمندان ایرانی و آمریکایی نیز از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ افزایش یافته است (Jillson, 2013).

موضوع مراددهی علمی کشورهای اسلامی با یکدیگر و نیز با کشورهای غیراسلامی تجربه‌ای مشابه ایران است. به این معنی که عموم روابط و همکاری‌های علمی کشورهای اسلامی با کشورهای غیراسلامی و غربی است. بیش‌ترین هم‌نویسانی مقالات، بیش‌ترین اعزام دانشجویان و

استاد، بیش‌ترین برنامه‌های آموزشی و پژوهشی بین‌المللی در کشورهای اسلامی با کشورهای غیراسلامی و به طور خاص آمریکا، کانادا، انگلیس، استرالیا، فرانسه و آلمان تعیین و تعریف شده است.

موضوع ضریب تأثیر مقالات از دیگر شواهد این موضوع است که در نتیجه این همکاری‌ها تولید می‌شود. برای مثال مقالاتی که به صورت مشترک توسط پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی در مجلات علمی بین‌المللی منتشر می‌شود نه تنها از ضریب تأثیر بیش‌تری برخوردار هستند بلکه یکی از جلوه‌های بین‌المللی شدن نیز محسوب می‌شود. ضریب تأثیر به صورت میانگین، تعداد ارجاعات به یک مورد قابل استناد (نظیر مقاله پژوهشی، مقاله مروری، نامه، یادداشت، چکیده و...) در یک مجله علمی در طول زمانی معین تعریف شده است.

این شاخص مهم‌ترین و در عین حال کاربردی‌ترین شاخص ارزیابی مجله‌ها در پایگاه استنادی ISI^۲ است. این عامل همه ساله توسط ISI بر مبنای ارجاعات به هر یک از مجله‌های علمی آن محاسبه می‌شود و نتیجه در گزارش JCR^۳ منتشر می‌شود. این ضریب نه برای مقاله یا نویسنده بلکه برای مجله محاسبه می‌شود. محاسبه بر مبنای یک دوره سه ساله صورت می‌گیرد. بررسی انتشارات علمی ایران در پایگاه‌داده‌های مختلف از قبیل ISI، Scopus و Elsevier نشان دهنده آن است که آن دسته از مقالاتی که محققان ایرانی با هم‌تایان غربی خود منتشر کرده‌اند در مقایسه با مقالاتی که با محققان کشورهای اسلامی منتشر کرده‌اند، از ضریب تأثیر به مراتب بیش‌تری برخوردار بوده است.

روابط سیاسی میان کشورها بر میزان همکاری‌های علمی به طور مستقیم تأثیرگذار است. بررسی محققان علم‌سنجی بیانگر آن است که ۸ سال جنگ بین ایران و عراق باعث شد همکاری‌های علمی ایران و کشورهای هم‌جوار در این دوره در حد صفر بوده و با روی کار آمدن دولت اصلاحات و تغییر در نگرش‌های سیاسی و روابط بین‌المللی دولت، میزان همکاری‌های علمی رو به افزایش رفته و از سیری صعودی برخوردار است. روابط سیاسی

1. Impact Factor
2. Institute for Scientific Information
3. Journal Citation Reports

ایران با کشورهای روسیه، ترکیه و ارمنستان بر میزان بالای همکاری علمی ایران با این کشورها تأثیر گذاشته است. این موضوع بیانگر نوعی شکاف میان لایه‌ی حکمرانی و جامعه‌ی علمی کشور است. گرایش و تمایل جامعه‌ی علمی کشور، همکاری با کشورها غربی است در حالی که جهت‌گیری رسمی بین‌المللی و خارجی کشور معطوف به همکاری با کشورهای غربی نیست. لایه‌ی حکمرانی جغرافیای هدف را کشورهای اسلامی و کشورهای حامی و شریک (از قبیل روسیه و چین) در نظر گرفته، در حالی که جامعه‌ی علمی جهان غرب را به عنوان کشورهای هدف انتخاب کرده است. برخی از بررسی‌های صورت گرفته نیز بیانگر تمایل درونی دولتمردان ایرانی به اعزام فرزندان خود به کشورهای توسعه یافته‌ی غربی برای ادامه‌ی تحصیل است (Department for Business, 2013).

سهم همکاری‌های بین‌المللی میان بنگاه‌های دانش‌بنیان برای ثبت اختراع و نوآوری یکی از شاخص‌های مراودات علمی بین‌المللی است. مطابق شکل (۲) طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ میلادی کشورهایی هم‌چون ترکیه، مکزیک، روسیه، برزیل و چین نیز موفقیت‌های بسیاری را به دست آورده‌اند (British Council, 2012:27).



شکل (۲): سهم همکاری‌های بین‌المللی میان شرکت‌های دانش‌بنیان

مطابق شکل (۲) در کشوری مانند ترکیه نزدیک به ۱۰ درصد ثبت اختراع‌های بین‌المللی شرکت‌های دانش‌بنیان با همکاری هم‌تایان خارجی غیراسلامی آنها انجام می‌شود. در این

خصوصاً آمارهای منتشر شده بیانگر آن است که وضعیت همکاری شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی با شرکت‌های هم‌تا در خارج از ایران نزدیک به صفر و با کشورهای اسلامی تحقیقاً صفر است.

۴. شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی

برحسب بررسی زمینه‌های متفاوت شکل‌دهنده به آینده تمدن اسلامی در این مقاله موضوع شناسایی نقش پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفت. از میان گستره وسیع عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر همگرایی و همکاری کشورهای اسلامی بر نقش مراودات علمی تأکید شد. بررسی‌های صورت گرفته بر حسب میزان تبادل دانشجو، انجام برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و هم‌نویسندگی مقالات علمی در مجلات بین‌المللی مشخص شد وضعیت همکاری و مراودات علمی در میان کشورهای اسلامی برای دستیابی به آینده مطلوب تمدن اسلامی در شرایط نامناسبی قرار دارد.

عمده‌ی همکاری کشورهای اسلامی در ساحت علم و فناوری با کشورهای غیراسلامی و غربی است. مهم‌ترین عدم قطعیت‌های این موضوع ماهیت دولت‌های اسلامی و گرایش اجتماعات علمی شکل‌گرفته در کشورهای اسلامی است؛ به عبارت روشن‌تر ماهیت غرب‌گرا یا مستقل بودن دولت‌های اسلامی از یک‌سو و گرایش اجتماعات علمی کشورهای اسلامی معطوف به گسترش همکاری با کشورهای غربی یا کشورهای اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر همکاری این کشورها با یکدیگر و در نتیجه تحقق همگرایی اسلامی و شکل‌دهی به تمدن اسلامی دارد.

بر این اساس در ادامه آینده‌های بدیل پیش‌روی تمدن اسلامی بر پایه‌ی همگرایی در حوزه‌ی همکاری‌های علمی بین‌المللی بررسی و مشخص شده است. یادآوری می‌شود عدم قطعیت‌های مذکور حاصل مطالعه‌ی صورت گرفته در چگونگی دستیابی به وحدت روش در میان کشورهای اسلامی و بررسی و پیمایش‌های اسنادی مشخص شده است (Safavi, 2008).

۵. آینده‌های بدیل تمدن اسلامی

براساس بررسی و تحلیل تأثیر دو پیشران اصلی شناسایی شده یعنی ماهیت دولت اسلامی و گرایش اجتماع علمی دو دوگانگی^۱ به شرح زیر قابل شناسایی است:

الف) حکمرانی وابسته - حکمرانی مستقل: حکمرانی مستقل ناظر بر وضعیتی است که حکومت نقش تسهیل‌گری در گسترش همکاری اجتماع علمی داشته و حکمرانی وابسته ناظر بر وضعیتی است که حکومت به دلایل ایدئولوژیک آرمان‌شهر و یوتوپیای خود را نه در جهان اسلام بلکه در جهان غرب دنبال می‌کند.

ب) اجتماع علمی ارتباط‌گرا - اجتماع علمی غیرارتباط‌گرا: اجتماع علمی ارتباط‌گرا ناظر بر این موضوع است که جامعه‌ی علمی کشور اسلامی به دنبال گسترش ارتباطات علمی با هم‌تایان خود در کشورهای اسلامی بوده و اجتماع علمی غیرارتباط‌گرا ناظر اجتماعات علمی است که قائل به گسترش همکاری با کشورهای اسلامی نبوده و در مقابل بر لزوم گسترش همکاری با کشورهای سرآمد و پیشتاز در حوزه‌ی علم و فناوری تأکید می‌کنند. بر این اساس ۴ آینده‌ی بدیل مطابق شکل (۳) قابل ارائه است:



شکل (۳): آینده‌های بدیل تمدن اسلامی

مطابق شکل (۳)، سناریوها و آینده‌های بدیل پیشروی کشورهای اسلامی از منظر گسترش مرادفات علمی بین‌المللی به شرح زیر قابل بررسی است:

الف) احیای دوران طلایی علم در جهان اسلام: این سناریو منادی‌گر بازگشت به گذشته و وضعیتی است که در آن هم حکومت‌ها و هم کنشگران علمی جوامع اسلامی قائل و پایبند به همکاری و گسترش مراددهی علمی با یکدیگر بودند.

ب) کمن علمی باز: این سناریو ناظر بر وضعیتی است که نظام حکمرانی در کشورهای اسلامی مستقل بوده و شرایط مناسبی را برای گسترش مراددهی علمی ایجاد کرده اما اجتماع علمی قائل و پایبندی به گسترش همکاری با کشورهای اسلامی نیست و در مقابل بر لزوم همکاری با کشورهای سرآمد و پیشتاز در حوزه‌ی علم و فناوری تأکید دارد.

ج) کمن علمی بسته: این سناریو بیانگر آن است که اجتماع علمی مایل به گسترش همکاری با کشورهای اسلامی بوده اما نظام حکمرانی بنابر دلایل ایدئولوژیک و سیاسی نه تنها قائل به موضوع نیست بلکه ممانعت‌هایی نیز در این مسیر ایجاد می‌کند.

د) آتروپی تمدنی در جهان اسلام: مطابق این سناریو شرایط در کشورهای اسلامی ایجاد شده که نه اجتماع علمی و نه دولت تمایلی برای گسترش مراددهی علمی با کشورهای اسلامی ندارند.

۶. نتیجه‌گیری

همگرایی میان کشورهای اسلامی ناشی از جبر و اضطرار نیست، بلکه محصول ویژگی‌های مشابه و اراده‌ی همگن برای دستیابی به پیوستگی تعریف می‌شود. این وضعیت به شکل همگرایی ناظر بر شرایطی است که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید می‌رسند. فرآیند یا فرآیندهای دخیل در آن نیز عبارتند از: وسایل و ابزارهایی که این اجتماع از طریق آنها حاصل می‌شود. فرآیند همگرایی باید داوطلبانه و مبتنی بر اجماع باشد. کشورها در قالب همگرایی و اتحاد، دارای سرنوشت مشترکی هستند و بدون اجماع نظر نمی‌توانند عمل کنند. به عبارت دیگر، در سایه‌ی یک اتحاد، کشورها به یکدیگر قفل می‌شوند و زمینه‌های ساختاری صلح را

فراهم می‌آورند و چون توان‌های فراوانی را بر روی یکدیگر جمع می‌کنند می‌توانند اهداف مهمی را دنبال کنند و به ثمر برسانند (Hosseini Moghadam and Sanie Ejlal, 2012). همگرایی علمی میان کشورهای اسلامی برپایه‌ی به اشتراک گذاشتن و تسهیم یافته‌های علمی، آموزشی، پژوهشی، معرفتی، فناورانه و نوآورانه نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در مسیر همگرایی کشورهای اسلامی و دستیابی به آینده‌ی مطلوب تمدن اسلامی دارد. سیاست‌گذاری به منظور گسترش مرادفات علمی در کشورهای اسلامی مستلزم توجه به ماهیت پیچیده و درهم‌تنیده‌ی ارتباطات کنشگران در سطح ملی و بین‌المللی است. چگونگی تنظیم روابط میان این کنشگران نقشی تعیین‌کننده در تحقق وضعیت مطلوب همکاری‌های علمی دارند (Sanie Ejlal, 2017). با توجه به سناریوهای ارائه شده برای تحقق یا عدم تحقق هر کدام از این سناریوها و آینده‌های بدیل بسته‌ی سیاستی متفاوتی باید با مشارکت ذینفعان در سطوح تحلیل متفاوت مشتمل بر: فروملی، ملی و فراملی تدوین و ارائه شود.

۷. قدرت‌دانی

«موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است».

References

1. Bozorgmehri, Majid (2006). Admission of foreign students in the country: experiences and solutions. Tehran: Quarterly Journal of Political-Economic Information, Num 234-233, pp 188-195. **[In Persian]**
2. British Council, The shape of things to come: higher education global trends and emerging opportunities to (2010-2017). Available at: [http://www.britishcouncil.org/ihe/educationintelligence,\(2017\)](http://www.britishcouncil.org/ihe/educationintelligence,(2017)).
3. Department for Business, Innovation and Skills. International education strategy: global growth and prosperity, Available at: www.gov.uk/bis, (2013).
4. Ebrahim Hassan, Hassan (1987). Political History of Islam: From the Beginning to the Extinction of the Umayyad State, translated by Abolghasem Payende, Tehran: Javidan, sixth edition. **[In Persian]**
5. Hosseini Moghadam, Mohamad; Sanie Ejlal, Marim (2012). Convergence of the Islamic World and the Future of Islamic Civilization, Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World, Volume 1, Number 3, pp. 1-19. **[In Persian]**
6. Night, Jin (2008). Commercial Agreements: Consequences for Higher Education, Posted in Burton, Gill and Lambert, Michelle. Globalization and Universities. Translated by Hamid Javadani. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. **[In Persian]**
7. Rajaei, Farhang (2003). The phenomenon of globalization; Translated by Abdul Hussein Azarang; Tehran: Agha Publishing. **[In Persian]**
8. Safavi, Seyed Yahia (2008). Unity of the Islamic World: Prospects for the Future, Tehran: Shakib Publishing. **[In Persian]**
9. Salahi, Parviz; Basnas, Mehri (2003). History of foreign schools in Iran. Tehran: Avae Noor. **[In Persian]**
10. Sanie Ejlal, Mariam (2017). Science and Technology Diplomacy: A New Strategy in the Development of Islamic Countries, Quarterly Journal of Political Studies in the Islamic World, Year 6, Issue 23, Pages -193 215. **[In Persian]**
11. UNESCO, Global Flow of Tertiary-Level Students (2017). Available at: <http://www.uis.unesco.org/Education/Pages/international-student-flow-viz.aspx>.